

درس‌های زندگی

برگسون

مایکل فولی
صالح نجفی

www.ketab.ir

سرشناسه: فولی، مایکل، ۱۹۴۷-م. Foley, Michael, ۱۹۴۷-
عنوان و نام پدیدآور: درس های برگسون برای زندگی / نویسنده مایکل فولی؛ مترجم صالح نجفی.
مشخصات نشر: تهران: نشر هنوز، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۱۴۰ ص. ۱۱×۱۷ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۵۵۱۷-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Life Lessons from Bergson, 2013.
موضوع: برگسون، آنری، ۱۸۵۹-۱۹۴۱ م. -- نقد و تفسیر
موضوع: Bergson, Henri, 1859-1941 -- Criticism and Interpretation
موضوع: فیلسوفان فرانسوی -- قرن ۲۰ م.
موضوع: Philosophers -- France -- 20th Century

شناسه افزوده: نجفی، صالح، ۱۳۵۴-، مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۳۳

رده بندی دیویی: ۱۹۴

شماره کتابشناسی ملی: ۷۲۶۵۶۶۲

درس های برگسون برای زندگی

نویسنده: مایکل فولی

مترجم: صالح نجفی

ویراستار: فاطمه زمانی

چاپ اول، بهار ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

طراحی جلد مجموعه کتاب: استودیو کارگاه -- محیا کتابچی، طراحی جلد کتاب: سپیده هنرمند

اجرا: یاسر عزآباد، ناظر فنی چاپ: مصطفی شریفی

تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است. هرگونه استفاده از متن این کتاب منوط به اجازه کتبی ناشر است.

نشر هنوز، تهران، صندوق پستی ۱۴۸۶-۱۹۳۹۵

www.hanoozbooks.com *** info@hanoozbooks.com *** info@hanoozpub.com

۱۱	 مقدمه
۲۱	 ۱. تاب خوردن با فرایند
۳۳	 ۲. گوش سپردن به نغمهٔ زمان حقیقی
۴۱	 ۳. اعتنا کردن به نجوایهای شهود
۵۳	 ۴. خندیدن وسط نشست‌های رسمی
	 ۵. دانستن آنچه می‌دانیم اما نمی‌بینیم که می‌دانیم، و دیدن آنچه
۶۳	 می‌بینیم اما نمی‌دانیم که می‌بینیم
۷۱	 ۶. تقویت نیروی ادراک و حافظه و توجه
۸۳	 ۷. موجودی زنده بودن و به موجودی زنده تعلق داشتن
۱۰۳	 ۸. چگونه بدون قدیسه ترزا شدن وجد عرفانی تجربه کنیم
۱۲۱	 نتیجه: ارزش نقدی برگسون
۱۲۵	 مشق شب
۱۳۳	 فهرست نام‌ها

مقدمه

جوان که بودم، به نظر می‌رسید طنز انتقادی مناسب‌ترین واکنش به دنیایی غرق در رشوه‌خواری و پول‌پرستی باشد و این علاقه به وجه نظری و عملی کم‌دی مرا به مطالعه کتاب آنری برگسون سوق داد، خنده: جستاری در معنای چیزهای کُمدی^۱. نظریه‌های برگسون مرا به طور کامل اقناع نکرد ولی سخنان نیشدار او درباره تأثیرات کسالت‌آور و ملال‌انگیز عَرَف و زندگی اجتماعی به دلم نشست. عَرَف، طبق تعریف او، عبارت است از «تحسین خویش بر اساس تحسینی که گمان می‌کنیم در دیگران برمی‌انگیزیم».

بنا کردم به زیور و کردن مجموعه آثار برگسون — کوششی بیهوده. در دیگر کارهایش نشانی از آن بیزاری آمیخته به طنز انتقادی یا، با وجود کتابش درباره کم‌دی، نشانی از شوخ‌طبعی و بذله‌گویی نیافتم. اثر کلیدی او، تظوّر خلاق، معنای زندگی را چیزی به

۱. این اثر را مهستی بحرینی با عنوان خنده: جستار در معنی امور خنده‌آور به فارسی ترجمه و انتشارات نیلوفر در سال ۱۳۹۹ منتشر کرده است. (همه‌ی نوشت‌ها از مترجم است.)

نام *الان ویتال*^۱ تعریف می‌کند که به چشم من مفهومی مبهم و عرفانی نبود. من که در رشته‌ای علمی تحصیل کرده بودم فقط به طرز تفکری ارج می‌نهادم که محکم و منطقی و واضح باشد. فکر می‌کردم عرفان قصد دارد جهان را در شولای مه بیوشاند.

پس *اُغواغ*، *آنری* [خدا نگه‌دار، *آنری*]. در دهه‌های بعدی زندگی، برگسئون را از فکر بیرون راندم، زندگی‌ای که قرار بود با خنده تمسخرآمیز به دنیا و مافیها در اتاق زیر شیروانی خانه‌ای اجاره‌ای همراه باشد، اما به دلایلی نامعلوم چیزی جز گرفتاری‌های متعارفی چون وام مسکن و شغل و زن و بچه از آب درنیامد. طنز انتقادی دیگر کافی نبود. پس به سراغ متفکرانی چون *اریش فروم* رفتم که کتاب کوچک *محشرش*، هنر عشق ورزیدن، کمکم کرد تا در زندگی زناشویی موفق باشم و کتاب *جامعه سالم* او به من درس شعور سیاسی و اجتماعی داد و بودن و داشتنی او این درس را برایم داشت که دین ممکن است برای آدم‌های بی‌دین فوایدی داشته باشد و به طور مشخص آیین بودا می‌تواند درس‌هایی عملی در بر داشته باشد.

بعدها از فلسفه ذهن قرن بیستم آموختم که حافظه و خود نه ذات‌هایی ثابت که فرایندهایی پویایند — و این معنی ناگهان در خاطرم با نظریه‌های فیزیک ذرات بنیادی پیوند خورد که مدعی‌اند در قلب ماده در واقع نشانی از ذرات نیست و چیزی جز شماری فرایند نمی‌توان یافت. سپس این پیوند موجب برقراری پیوندی دیگر با مفهوم محوری تفکر بودایی شد، مفهوم «نه جان، نه جوهر». و آن‌گاه در لحظه کشفی هیجان‌انگیز، فلسفه و علم و دین با آشکار شدن این معنی که همه چیز فرایند است... و هر چیزی با هر چیز دیگر پیوند دارد به هم رسیدند. یا، دقیق‌تر بگویم، دریافتم کل کیهان وحدت پهنآوری است از فرایندهایی که در هم ادغام می‌شوند و به همدیگر وابسته‌اند، فرایندی

.....
1. élan vital

بس عظیم مرکب از فرایندهایی بزرگ که خود از فرایندهایی کوچک تشکیل شده‌اند، و آن‌ها هم متشکل از فرایندهایی بسیار ریزند. و این شامل همه چیز می‌شود از قلب عجیب و غریب ماده تا منتها الیه عجیب و غریب عالم ما که دیوانه‌وار گسترش می‌یابد. و آگاهی بشری هم فرایند عظیمی به همین اندازه عجیب و غریب است که با همه این‌ها در تعامل است و آن هم از دوران فرایندهایی تشکیل شده است که پیوسته در هم ادغام می‌شوند.

این مفهوم که همه چیز فرایند است به نظرم بینشی بکر و بدیع آمد، دست‌کم در فضای فکری غرب. اما طولی نکشید که سرخوشی‌ام با کشف این نکته اندکی فروکش کرد که این قضیه فرض محوری فلسفه صیوررت (= فرایندگرا) بوده است، شاخه‌ای فرعی اما جافاده و در حال شکوفایی که مراکز و اساتید و نشریاتی خاص خود در فضای دانشگاه دارد. از سوی دیگر، کشف این واقعیت مایه دلگرمی‌ام شد که خیلی‌های دیگر هم به این دیدگاه فرایند محور فائق آمدند. متوجه شدم ریشه این اندیشه‌ها به بودا و هراکلیتوس برمی‌گردد. حکیم یونانی مدعی بود همه چیز آتش و جریان است. و سپس معلوم شد که پایه‌گذار واقعی فلسفه فرایندگرای مدرن کسی نیست جز متفکری که مدت‌ها پیش او را از ذهن و خاطر خویش بیرون گذاشته بودم — آنری برگسون. برگسون بی‌هیچ ابهامی می‌گفت «جوهر حرکت و تغییر است. تغییرها وجود دارند اما در زیر تغییرها هیچ چیزی وجود ندارد که تغییر کند: تغییر نیازی به تکیه‌گاه ندارد. حرکت‌ها وجود دارند، اما هیچ شیء ثابت تغییرناپذیری وجود ندارد که حرکت کند: حرکت مستلزم چیزی متحرک نیست». به اعتقاد برگسون، نکته اساسی این است که حرکت را بپذیریم و جزئی از آن شویم: «فلسفه فقط می‌تواند کوششی باشد برای منحل شدن دوباره در کل.»